

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

سید ملک - استراليا

۰۲ اپریل ۲۰۱۹



## آیا خدا وجود دارد؟؟

در سایت فلسفه همین حالا سوال فوق مطرح گردیده است.

دیدگاه من

جواب موضوع ان قدر طولانی است که فعلاً در این دل شب وقت آن نیست. اما حرفی از کنفوسیوس به خاطر آمد که درین مورد از نامبرده سوال شد.

کنفوسیوس در جواب گفت ما در جهان مصروفیت های بی شمار دیگر داریم کفایت می کند که به حل آنها بپردازیم

برتر اندر اسل فیلسوف بی خدای انگلیسی می گفت وی به خدا معتقد نیست اما هیچ دلیلی به رد آن ندارد

من می گویم من به خدا معتقدم اما هیچ دلیل علمی جهت ثبوت آن نیافته ام. براهین وجود خدا هیچ کدام قناعتم را فراهم نساخت از آنجمله دلیل علت العلل با برش بدون علت الکترون از مدارش فاقد ارزش تلقی شده و دلایل دگر همه زیر سوال است و قوی ترین دلیل برهان نظم است که تا حال مورد مشاخره است و من قبلاً نوشته بودم اگر زندگی مجال داد روزی حل این برهان را پیشنهاد خواهم کرد تا باشد نام یک افغان هم در گوشه های از تاریخ فلسفه نگاشته شود توضیح ارتباطی دگر موضوع

به صورت مثال اگر مارکس می گوید رسیدن به حقیقت مطلق ناممکن است فرق بین این گفته مارکس و حوزه معرفت عرفانی در کجاست که می گوید خدا یا همان حقیقت مطلق قابل شناخت نیست و حتی پیامبر اسلام هم گفته اند خدایا

بیخس که من ترا به قدر معرفت خود شناختم چنانچه روزی شمس تبریزی پیشروی مولانا را گرفت وگفت آیا مرتبت پیامبر بالا بود که شناخت خود را از خدا به قدر معرفت خودش گفت ویا بایزید بسطامی که می گفت:  
ما ذات ذوالجلال خداوند اکبریم. مولانا بیهوش شد و بعداً شمس گفت مرتبت پیامبر بالاتر است چه با آن که ادعای پیامبری نمود اما شناخت خود را محدود جلوه داد، اما بایزید مانند قطره مست ظرفیت پیامبر را نداشت ویا اندکی شناخت گفت- سبحان من یشانی

به هر صورت اگر به گفته افلاطون خداوند مجموعه‌های از صفات نیکو مانند عدالت ، حقیقت و... باشد که از آن شر نمی خیزد بناءً این تفسیر در هر شرایطی و هر برداشتی فرق می کند یعنی معرفت اینجا تفاوت یافته است. آن یکی محراب دگر بت یافته است. همان است که بارها گفته ام مارکس بیخدائی بود که به خاطر تحقق صفات خدا مبارزه می کرد یعنی همان تحقق عدالت. جامعه ای برابر و غیره . چنانکه اقبال لاهوری هم در مورد مارکس می گوید:

### **صاحب سرمایه از نسل خلیل ... بود آن پیغمبر بی جبرئیل**

طوری که می دانید سرمایه یا کپیتال کتاب معروف مارکس است و نسل خلیل چون موصوف یهودی بود.  
چون ناوقت شب است از تبصره زیاد خودداری و حوصله تصحیح مجدد نیست دوستان محترمی که بر املاي من ایراد می گیرند مرا ببخشند  
چه محتوی مهم است و خوب گفته اند:

**تیر دلدوز به است زانکه ارسته وزردوز**